

بستانکاران»<sup>(۲)</sup> یاد می‌شود.

به عبارت دیگر، همچنان که نظریه وثیقه عمومی دیان برای حفظ حقوق مجموع طلبکاران وضع شده است، ضرورتاً می‌بایست هیچ یک از آنان بر دیگران رجحان نداشته و جملگی بالسویه از اموال مدیون استیفای طلب نمایند.<sup>(۳)</sup>

مع الوصف تساوی بستانکاران و عدم اولویت طلبکاری بر هیأت طلبکاران به عنوان یک اصل تلقی می‌شود نه یک عام بدون استثنا. بدین ترتیب قانونگذار به طلبکار اجازه داده است تا با توافق مدیون مالی را برای وثیقه از او اخذ نموده (ماده ۷۷۱ ق.م. و به واسطه آن در استیفای طلب خود بر هر طلبکار دیگری رجحان یابد. (ماده ۷۸۰ ق.م.) همچنین به طلبکار اختیار داده شده است با درخواست تأمین از محکمه (ماده ۲۲۵ ق. آ.د.م.) از نتیجه حاصله آن که همان تقدم بر سایر طلبکاران است بهره‌مند شود (ماده ۲۶۹ ق. آ.د.م.) گاهی نیز قانونگذار رأساً و به صورت مستقیم به طلبی امتیاز در وصول اعطا کرده و موجب می‌شود تا دارنده آن از صف غرما خارج شود.

با توجه به آنچه که در اطراف اصل تساوی بستانکاران و استثنائات وارده بر آن بیان شد، مطالبات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف: طلب عادی؛

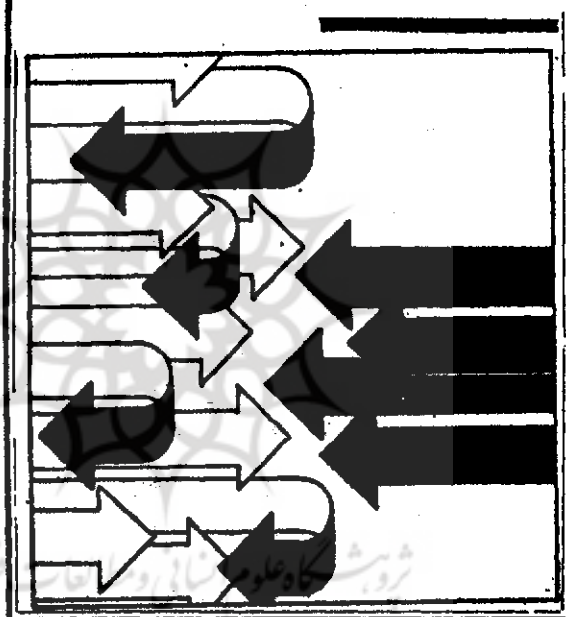
ب: طلب دارای وثیقه؛

ج: طلب ممتاز؛

مع هذا نظر به اینکه موضوع بحث این مقاله صرفاً طلب یعنی طلب ممتاز می‌باشد، از توضیح پیرامون دو نوع طلب دیگر پرهیز کرده و به بررسی اصل موضوع

# طلب ممتاز

□ سمید صفیان



## مقدمه:

را لحاظ کرده است: امور راجع به ترکه از جمله اقداماتی است که برای حفظ ترکه و رسانیدن آن به صاحبان حقوق انجام می‌شود (ماده ۱۶۳ قانون امور حسبی) یا همین که حکم ورشکستگی قابل اجرا شد، اداره تصفیه صورتی از اموال ورشکسته برداشته، اقدامات لازم از قبیل مهر و موم برای حفظ آنها به عمل می‌آورد (ماده ۱۳ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی). نتیجه قهری مترتب بر این نظریه، اصلی است که از آن به عنوان اصل تساوی

از نقطه نظر کلی دارایی مدیون در «وثیقه عام طلبکاران»<sup>(۱)</sup> اوست؛ زیرا هنگامی که شخصی بدون وثیقه وام می‌دهد و یا مالی را بدون اخذ وثیقه انتقال می‌دهد، بدون شک به اعتبار مالی مدیون نظر دارد و آن را محلی برای وصول طلب خود می‌داند، روش قانونگذار نیز بر چنین عقیده‌ای استوار است و برای محافظت از اموال مدیون که نهایتاً می‌بایست مطالبات طلبکاران از آن محل استیفای اقداماتی

که همان طلب ممتاز است می پردازیم.

### مبحث نخست

#### تعریف و عناصر طلب ممتاز

طلب ممتاز در حقوق ایران از دو جنبه قانونگذاری و نظری آنچنان که شایسته یک تأسیس حقوقی است مورد دقت واقع نشده است. در واقع تهیه کنندگان طرح قانون مدنی (جلد اول و دوم) با اینکه فصل بندی را از روی قانون مدنی فرانسه ترتیب داده اند، از عنوان مستقل طلب ممتاز که در عنوان هیجدهم از کتاب سوم قانون مدنی فرانسه ذکر شده است، پرهیز کرده اند. بنابراین ما سعی خواهیم کرد با توجه به وضعیت تقنینی کنونی در باب طلب ممتاز و نظرات علمای حقوق و همچنین تألیفات خارجی به تنقیح این تأسیس حقوقی پردازیم.

#### گفتار اول، تعریف طلب ممتاز

طلب ممتاز را چنین تعریف کرده اند: «طلب ممتاز طلبی است که نسبت به طلبهای دیگر از مدیون معین، دارای امتیاز خاص قانونی باشد، مثل اینکه پاره ای از طلبها حق تقدم و رجحان در پرداخت دارند مانند حقوق خدومه خانه متوفی در سال آخر قبل از فوت (ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی)». (۴) در تعریف حق تقدم نیز که گاهی به معنای طلب ممتاز استعمال می شود آمده است: «حق تقدم عبارت است از صفت یک طلب که به طلبکار امتیاز و برتری می بخشد، خواه حق تقدم مذکور ناشی از داشتن وثیقه (منقول یا غیر منقول) باشد (مانند حق تقدم مرتهن و هرکسی که حق وثیقه در عین مال شخص دیگر دارد). خواه نه، مانند مطالبات بدون وثیقه در ماده ۵۸ ق. تصفیه امور ورشکستگی مصوب

۱۳۱۸/۴/۲۴. (۵) دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی که تعریفات از ایشان می باشد، در جایی دیگر حق تقدم را چنین تعریف کرده است: «حق تقدم، حقی است مالی که به موجب آن، یک بستانکار اجازه دارد که از ثمن مال یا اموال معین، مقدم بر

مطالبات را می توان به سه دسته تقسیم کرد:  
الف: طلب عادی؛  
ب: طلب دارای وثیقه؛  
ج: طلب ممتاز؛

بستانکاران عادی از صاحب آن مال، طلب خود را استیفا کند، مانند مرتهن و خریدار شرطی و هر وثیقه گیرنده دیگر و مانند تقدم زوجه میت در مورد گرفتن نفقه». (۶)

تعریفات مذکور هیچ کدام پستهای تعریفی جامع و مانع برای طلب ممتاز

«طلب ممتاز طلبی است که نسبت به طلبهای دیگر از مدیون معین، دارای امتیاز خاص قانونی باشد»

ثانیاً: هر چند تعریف دوم از این لحاظ که صراحتاً تقدم و امتیاز را صفت طلب قلمداد کرده است، بر تعریف نخست رجحان دارد، ولی به واسطه آنکه طلب دارای وثیقه را نیز داخل در آن دانسته مانع نیست؛ زیرا درست است که دارنده طلب دارای وثیقه نیز همچون دارنده طلب ممتاز، امتیاز و تقدم در وصول دارد، مع هذا امتیاز دارنده وثیقه بنابه کیفیت طلب ایجاد نشده است، بلکه ناشی از رأی دادگاه یا قرازدادی است که هر نوع طلب دیگری نیز علی القاعده می تواند موضوع آن قرار گیرد، و حال آنکه امتیاز دارنده طلب ممتاز به اراده مستقیم قانونگذار بر نفس طلب تعلق می گیرد و هر طلبی نمی تواند متصف به این امتیاز شود مگر آنچه که قانونگذار اراده کرده است.

ثالثاً: تعریف سوم از آن جهت که متعلق طلب ممتاز را منحصرأ مال یا اموال معین تلقی کرده دارای ایراد است؛ زیرا در طلب ممتاز عام طلبکار در استیفای طلب خود از تمام اموال مدیون بر سایر طلبکاران رجحان دارد و منعی برای او از این لحاظ که منحصرأ مال یا اموال معینی استیفای طلب کند وجود ندارد. ایراد دیگر آنکه تقدم طلبکار ممتاز صرفاً بر طلبکار عادی عنوان گردیده و حال آنکه در پاره ای مواقع طلب ممتاز، بر طلب دارای وثیقه نیز مقدم است.

در فرهنگ حقوقی (Black) طلب ممتاز چنین تعریف شده است:

A right which the nature of a debt to a creditor, and which entitles him be preferred before other creditors. (۷)

نیست زیرا:  
اولاً: در تعریف نخست آنچه که موجب امتیاز خاص قانونی می شود، یعنی کیفیت طلب، مورد تاکید قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، تعریف معلوم نمی کند امتیاز طلب، قانوناً بنا به کیفیت آن به سود بستانکار ایجاد می شود، یا وصف طلب دارای نقش مؤثری از این بابت نیست. بنابراین چون متعلق امتیاز قانونگذار مشخص نشده است، نمی توان معنای یک تأسیس حقوقی خاصی را از آن استنتاج کرد:

«حقی که بر مبنای طبیعت طلب به طلبکار اعطا می‌شود و به موجب آن طلبکار استحقاق پیدا می‌کند [برای وصول طلب] بر دیگر طلبکاران مقدم شود.»  
و مطابق ماده ۲۰۹۵ قانون مدنی فرانسه طلب ممتاز عبارت است از:

Un droit que la qualite de la ereance donne a un creancier d, etre prefere aux autres ceranciers meme hepothecaires.<sup>(۸)</sup>

«طلب ممتاز حقی است که بر حسب کیفیت طلب به بستانکار داده می‌شود که نسبت به سایر بستانکاران حتی دارندگان رهن (ایپوتک) مقدم می‌باشند.»

با عنایت به آنچه سابقاً بیان شد طلب ممتاز را می‌توان چنین تعریف کرد: «طلب ممتاز طلبی است متضمن یک امتیاز که بنابه کیفیت طلب و به حکم مستقیم قانونگذار ایجاد و به موجب آن طلبکار در استیفای طلب خود از مجموع

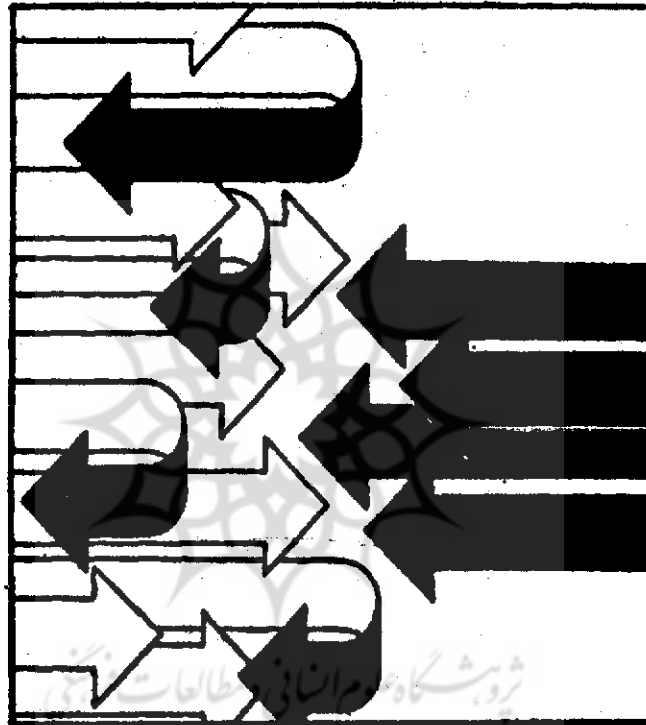
اموال یا مال معینی از اموال مدیون بر سایر طلبکاران رجحان می‌یابد.»<sup>(۹)</sup>

قبل از هر چیز و در وهله اول از این تعریف استفاده می‌شود که هرگاه امتیاز بر روی تمام اموال مدیون مستقر شود طلب ممتاز عام و در صورتی که مال یا اموال معینی از دارایی مدیون موضوع امتیاز باشد طلب ممتاز خاص نامیده می‌شود. لایحه قانونی اجرای احکام که در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی شور اول آن تمام شده و شور دوم آن ناتمام ماند به ترتیب در مواد

۳۰۶ و ۳۰۷ برای طلب ممتاز عام و خاص تحت عنوان حق تقدم عام و خاص تعریفی مشابه آنچه در مورد دو نوع طلب ممتاز عنوان گردید ارائه داده بود.

گفتار دوم، عناصر طلب ممتاز  
الف - امتیاز یک حق است.

حق، عبارت از اختیاری است که قانون برای شخص شناخته و به موجب آن می‌تواند عملی را انجام و یا آن را ترک نماید.<sup>(۱۰)</sup>



امتیاز در وصول طلب نیز حقی است که به دارنده آن اختیار می‌دهد مقدم بر سایر بستانکاران طلب خود را از دارایی مدیون استیفا نماید. طلب یک حق مالی است؛ زیرا اجرای آن مستقیماً برای دارنده ایجاد منفعتی می‌نماید که قابل تقویم به پول است. مع الوصف مالیت امتیاز را باید به تلقی از طلب صحیح دانست، چه آن که نفس امتیاز بدون لحاظ متعلق آن نمی‌تواند مال محسوب شود. شاید به همین علت است که دیوان عالی تمیز به موجب حکم

شماره ۱۴۵۸۷-۲۳۹-۱۳۱۷/۲/۳ احراز حق تقدم بستانکاری از بستانکاران تاجر ورشکسته را در صورتی که اصل طلب مورد انکار طرف نباشد، دعوی غیرمالی دانسته است.<sup>(۱۱)</sup>

با وجود این باید دید که طلب ممتاز بر روی اموال بدهکار ایجاد یک حق عینی می‌کند یا صرفاً متضمن یک حق شخصی است، و یا اینکه باید در این مقام بین طلب ممتاز عام و خاص قائل به تفکیک شد.

باتوجه به قوانین و مقررات ناظر بر احکام و آثار طلب ممتاز، باید شق اخیر سؤال مطروحه را مقرون به صواب دانست؛ زیرا در طلب ممتاز عام هیچ‌گاه مال معینی از اموال بدهکار در وثیقه طلب قرار نمی‌گیرد و حق تقدیمی که دارنده طلب ممتاز عام دارد بر مجموع دارایی مدیون تعلق گرفته، که یک مفهوم کلی است و مآلاً نمی‌تواند برای دارنده آن حاروی یک حق تعقیب (right of inaction) که از آثار

بارز حق عینی تبعی است، باشد. به عنوان مثال وقتی که قانونگذار طلب زوجه را از بابت نفقه ممتاز نموده است (ماده ۱۲۰۶ ق.م.ب) تردید قصد آن را نداشته که مجموع دارایی زوج در وثیقه طلب زوجه قرار گیرد، بلکه اراده آن را نموده است که در هنگام تصفیه دیون، زوجه در استیفای طلب خود بر دیگران مقدم گردد، بدون آنکه حق تعقیبی نیز ملازم آن باشد.

در طلب ممتاز خاص، دارنده واجد یک حق عینی تبعی است؛ زیرا این نوع طلب

ممتاز علاوه بر تقدم، متضمن حق تعقيب نیز هست. در طلب ممتاز خاص، طلب بر روی مال یا اموال معینی استوار می‌شود و در واقع تضمینی است که اختصاص به پرداخت طلب معینی دارد. در واقع مالی که محل اختصاصی برای ایفای طلب قرار می‌گیرد شبیه وثیقه موضوع عقد رهن است، با این تفاوت که منشاء ایجاد طلب ممتاز خاص، حکم مستقیم قانون است و در رهن این نتیجه از اراده طرفین ناشی می‌شود.

مطالبات مشروطه‌ای که در بندهای پنج‌گانه ماده ۲۹ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ نسبت به کشتی ممتاز تلقی گردیده است به عنوان مصادیقی از طلب ممتاز خاص متضمن حق عینی تبعی است که می‌توان چنین ویژگی را با اخذ وحدت ملاک به دیگر مطالبات ممتاز خاص نیز تعمیم داد. در این ارتباط و در باب آثار انتقال مالکیت کشتی نسبت به مطالبات ممتاز موضوع ماده ۲۹ صدرالذکر، قانون دریایی در ماده ۳۸ چنین مقرر داشته است: «انتقال مالکیت کشتی تأثیری در حقوق ممتاز نخواهد داشت.» به عبارت دیگر، دارندگان این گونه مطالبات، علاوه بر حق تقدم نسبت به سایر بستانکاران، برای وصول طلب خود حق تعقيب کشتی را نیز خواهند داشت و این دو خصوصیت از جمله آثار مهمی است که از تأسیس حق عینی حاصل می‌شود.<sup>(۱۲)</sup> قانون بین‌المللی یک نواخت کردن بعضی از مقررات مربوط به حقوق ممتاز و رهن دریایی (بروکسل ۱۰ آوریل ۱۹۲۶) که دولت ایران به موجب قانون مصوب ۲۸ تیرماه ۱۳۴۵ (مجموعه قوانین سال ۱۳۴۵، چاپ

روزنامه رسمی، ص ۱۷۸) به آن ملحق گردیده است، در این خصوص صراحت بیشتری دارد. به موجب ماده ۸ این قرارداد: «مطالبات ممتاز نسبت به کشتی از جمله حقوق عینی است.»

در باب چهارم از کتاب چهارم قانون

طلب ممتاز طلبی است متضمن یک امتیاز که بنا به کیفیت طلب و به حکم مستقیم قانونگذار ایجاد و به موجب آن طلبکار در استیفای طلب خود از مجموع اموال یا مال معینی از اموال مدیون بر سایر طلبکاران رجحان می‌یابد.

مدنی جدید مصر که پیرامون حقوق عینی تبعی است از طلب ممتاز یاد شده است و به همین جهت اکثر حقوقدانانی که در این مورد اظهار عقیده کرده‌اند طلب ممتاز را اعم از عام و خاص جزو حقوق عینی تبعی

حق، عبارت از اختیاری است که قانون برای شخص شناخته و به موجب آن می‌تواند عملی را انجام و یا آن را ترک نماید.

تلقی کرده و برای دارنده آن حق تقدم قائل شده‌اند.<sup>(۱۳)</sup> مع هذا، حتی چنین تصریحی نیز پاره‌ای از حقوقدانان مصری را در عینی بودن مطلق طلب ممتاز قانع نکرده است. به عقیده اینان چون طلب ممتاز عام، بالذات بر مال معینی مستقر نمی‌شود، برای دارنده آن حق تعقيب که از آثار اعلا و اجلائی حقوق عینی است قابل تصور نخواهد بود. بنابراین در این حالت طلبکار ممتاز

هیچگاه دارای یک حق عینی نسبت به تمام اموال مدیون نمی‌تواند باشد و طلب او صرفاً حاوی یک حق تقدم است بدون آنکه حق تعقیمی ضمیمه آن باشد. در مقابل، با توجه به اینکه طلب ممتاز خاص بر روی مال یا اموال معینی برقرار می‌شود، ذاتاً یک حق عینی است و دارنده آن علاوه بر حق تقدم، حق تعقيب نیز خواهد داشت.<sup>(۱۴)</sup>

ب - امتیاز طلب بنا به کیفیت آن ایجاد می‌شود. امتیاز، صفت طلب است.<sup>(۱۵)</sup> بنابراین آنچه موجب تقدم طلب ممتاز بر مطالبات دیگر می‌شود، خصوصیتی است که در نفس طلب موجود است. به عبارت دیگر، امتیاز راساً به طلب تعلق می‌گیرد و در مرحله نخستین شخصیت طلبکار در این خصوص مدخلیتی ندارد و به طور کلی آنچه مستقیماً سبب امتیاز واقع می‌شود طبیعت طلب است و لاغیر.<sup>(۱۶)</sup>

در مواردی که قانونگذار برای بیان مفهوم این تأسیس، عبارت طلب ممتاز را استعمال کرده است، نظیر ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی، ماده ۱۴۳ قانون شرکتهای تعاونی و امثال ذلک، توجهاً به اینکه طلب، موصوفی قلمداد شده است که امتیاز؛ صفت آن می‌باشد، این معنا که امتیاز طلب بنا به کیفیت آن ایجاد می‌شود به روشنی مشهود است. ولیکن در مواردی که دین ممتاز (تبصره یک ماده ۱۳ قانون کار) حق تقدم و عباراتی نظیر آن نیز برای عنوان این تأسیس انتخاب شده است بنا به دلالت قراین حالی و مقالی نقش طبیعت طلب در تعلق امتیاز به آن قابل استدراک است. برای مثال در طبقات پنجگانه مواد ۲۲۶ و ۵۸ قوانین امور حسبی و اداره

تصفیه امور ورشکستگی، در طبقات چهارگانه اول که مربوط به مطالبات ممتاز است، آنچه مبنای طبقه‌بندی قرار گرفته است طلب است و نه طلبکار و یا چیز دیگر. دلیل انتخاب چنین ملاکی نیز جز اینکه در درجه نخست امتیاز به ماهیت طلب تعلق می‌گیرد



به صورت قهری از ناحیه قانونگذار ایجاد می‌شود، به مجرد ثبوت طلب، ثبوت امتیاز نیز وجود خواهد داشت. بنابراین و علی‌القاعده، طلبکار دارای طلب ممتاز، جز اثبات طلب، تکلیفی به عهده ندارد. (۲۱)

مع الوصف، اینکه امتیاز بتواند بدون انجام تشریفات نظیر ثبت،

در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد باشد، بحثی قابل تأمل است.

در حقوق لبنان مطابق ماده ۱۱ قانون مصوب ۱۹۲۶ هر حقی که نسبت به اموال غیر منقول ایجاد شده باشد، احتیاج به ثبت خواهد داشت. از این ماده حقوقدانان لبنانی و رویه قضائی آن کشور استنتاج نموده‌اند که هرگاه محل طلب ممتاز - اعم از عام و خاص - مال یا اموال غیر منقول مدیون باشد باید در دفتر املاک به ثبت برسد. استثنا بر این اصل حکم ماده ۱۱۹ قانون ملک‌العقاریه لبنان است که سه فقره مطالبات ممتاز موضوع ماده ۱۱۸ قانون اخیر را از ثبت معاف نموده است. (۲۲)

در حقوق مصر نیز هرگاه طلب ممتاز خاص بر روی مال غیر منقول برقرار شده باشد در صورتی در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد خواهد بود که به ثبت رسیده باشد. (۲۳)

در حقوق ایران باید بر آن بود که طلب ممتاز هر چند که بر روی مال غیر منقول نیز واقع شده باشد معاف از ثبت است؛ زیرا در حقوق ایران مستند قانونی لازم‌الثبت بودن حقوق عینی مادتهای ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰ است و حال آنکه مواد موصوف، ناظر به عقود و معاملات راجع به

صادر شده است که رأی شماره ۳۲۷۱ مورخ ۱۳۳۹/۱۰/۹ (۱۸) در باب زوال حق تقدم دارنده تأمین در فرض ورشکستگی تاجر و رأی شماره ۲۱۲ سال ۱۳۵۰ (۱۹) در باب خاص بودن قانون تصفیه امور ورشکستگی (ماده ۵۸) و مآلاً حذف امتیاز وزارت دارایی در وصول مالیات و جرایم متعلقه، از آن جمله‌اند.

در حقوق اکثر کشورهای عربی قاعده‌ای وجود دارد که به قاعده «لا امتیاز بدون نص» مشهور است. متن این قاعده در قوانین کشورهای موصوف وارد شده و یا اینکه بارها مورد تأکید رویه قضائی واقع شده است. برای مثال در قوانین مدنی کشورهای مصر (۲/۱۱۳۰) و سوریه (۲/۱۱۹۰) می‌خوانیم: «ولا یتكون لطلب امتیاز إلا بمقتضى نص فی القانون» همچنین است آرای مورخ ۲۵ نوامبر ۱۹۲۹ و ۱ آوریل ۱۹۳۱ محاکم استیناف مصر که بر مبنای رعایت قاعده فوق‌الذکر صادر شده‌اند. (۲۰)

#### مبحث دوم

نحوه تعلق، دامنه شمول و مرتبه طلب ممتاز

گفتار اول. نحوه تعلق و دامنه شمول  
با توجه به اینکه امتیاز در وصول طلب

امر دیگری نمی‌تواند باشد. به همین سبب است که در طبقه پنجم مواد صدرالذکر که ماهیت طلب مدخلیتی در موضوع ندارد از «سایر بستانکاران» نام برده شده است نه از «سایر مطالبات».

ج - منشاء ایجاد امتیاز منحصرأ قانون است.

در حقوق ایران، نصی مشعر بر قانونی بودن ایجاد طلب ممتاز وجود ندارد. ولیکن به واسطه آنکه حکمت چنین قاعده‌ای عمدتاً بر اساس اصل تساوی بستانکاران وضع شده است رویه قضائی با تمسک به این اصل، متون قانونی مربوط به تقدم یکی از بستانکاران بر دیگران - اعم از تقدم ناشی از طلب ممتاز یا تقدم ناشی از وثیقه رابه صورت مضیق تفسیر کرده است. شعبه سوم دیوان عالی کشور به موجب رأی شماره ۹۶۲ مورخ ۱۳۱۹/۳/۲۵ در دعوائی چنین اظهار نظر کرده است: «دیوان متوقف در استیفای طلب خود در عرض یکدیگرند مگر ممتاز بودن بعضی مدلل شود». (۱۷)

علاوه بر رأی مرقوم آرای دیگری نیز از دیوان عالی کشور در خصوص رعایت اصل تساوی طلبکاران و لزوم تصریح قانونگذار بر تقدم طلبکاری بر دیگران

این حقوق بوده و از طلب ممتاز که منشاء آن حکم مستقیم قانون است انصراف دارد. به عبارت دیگر، کلمات «عقود» و «معاملات» مندرج در مواد قانون ثبت عرفاً و اصطلاحاً به اعمال حقوقی راجع است و امتیاز را که اراده طرفین در ایجاد آن مدخلیت ندارد، نمی‌توان در مفهوم کلمات مرقوم داخل دانست. بنابراین برای اعمال حق تقدم کافی است که اموال محل چنین حقی طلق بوده و قبلاً و به صورت قانونی متعلق حق دیگری واقع نشده باشد (حکم شماره ۲۲۵-۱۳۱۸/۲/۱۲ دیوان عالی کشور). (۲۴)

در مورد دامنه شمول طلب ممتاز نیز باید گفت؛ در اینکه لازم است اصل طلب به اولویت پرداخت شود تردیدی وجود ندارد، اما پیرامون اینکه مترفعات طلب نیز همچون خسارات تأخیر تأدیه، بهره و امثال ذلک دارای امتیاز باشد در حقوق ایران حکم کلی وجود ندارد. با وجود این و به دلایل ذیل به نظر می‌رسد که امتیاز به مترفعات طلب قابل تعمیم نباشد؛ زیرا اولاً: اصل، تساوی بستانکاران است و عمل به اصل موصوف ایجاب می‌کند که در تسری امتیاز به موارد مشتبه که موجب اختلال در حقوق غرما می‌شود، پرهیز شود. ثانیاً: اینکه در پاره‌ای مواقع قانونگذار مترفعات طلب را نیز ممتاز تلقی کرده و در موارد دیگر سکوت اختیار نموده است خود دلیل بر این است که تعمیم امتیاز به مترفعات طلب محتاج به تصریح قانونگذار است.

ثالثاً: هر یک از مطالباتی که حاوی اولویت در وصول است، متضمن وصفی است که جنبه توضیحی نداشته و بلکه مفید

تقیید حکم مقنن به موارد منصوص است، لذا اخذ مفهوم مخالف از عبارات این احکام حجت خواهد بود.

**گفتار دوم: مرتبه طلب ممتاز**  
هنگامی که قانونگذار به طلبی امتیاز در وصول اعطا می‌کند غالباً مرتبه آن را نیز در

در طلب ممتاز خاص، طلب بر روی مال یا اموال معینی استوار می‌شود و در واقع تضمینی است که اختصاص به پرداخت طلب معینی دارد.

ضمن حکم مربوط به اصل امتیاز مشخص می‌سازد. (۲۵) ضابطه تعیین مرتبه نیز با توجه به اینکه امتیاز بنا به کیفیت طلب برقرار می‌شود تاریخ ایجاد طلب مقرون به امتیاز نیست، بلکه ملاک، سببی است که در انشاء امتیاز مؤثر افتاده است. (۲۶)

**الف: تزامن بین مطالبات ممتاز دارای رتبه و مطالبات فاقد رتبه**

امتیاز، صفت طلب است. بنابراین آنچه موجب تقدم طلب ممتاز بر مطالبات دیگر می‌شود، خصوصیتی است که در ضمن طلب موجود است.

مطابق بند ۱ ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی مصر هرگاه در مورد مرتبه طلب ممتازی قانون صراحت نداشته باشد رتبه آن متأخر از مطالبات ممتاز دارای رتبه خواهد بود. قاعده‌ای را که قانونگذار مصری به موجب ماده مرقوم ایجاد کرده است در حقوق ایران نیز باید به عنوان یک اصل پذیرفت. در غیر این صورت دو راه حل در پیش خواهد بود؛ اول اینکه مطالبات ممتاز فاقد رتبه مقدم بر

مطالبات ممتاز دارای رتبه پرداخت شود. و دوم اینکه حکم به زوال امتیاز طلب فاقد رتبه داده شود (چنان‌که دیوان عالی کشور به موجب رای شماره ۲۱۲ سال ۱۳۵۰ در موردی شق اخیر را پذیرفته است). درحالی که هر یک از دو طریق مذکور مخدوش است؛ زیرا از یک طرف با تعیین رتبه بعضی از مطالبات ممتاز (نظیر مطالبات ممتاز موضوع ماده ۵۸ قانون تصفیه) فرض بر این است که قانونگذار قصد نداشته است طلب یا مطالبات فاقد رتبه را بر مطالبات دارای رتبه مقدم دارد، چراکه در این صورت اقدام به طبقه‌بندی بی‌مورد و نقض غرض خواهد بود. از طرف دیگر این نکته مسلم است که طلبی هر چند بدون تعیین رتبه؛ ممتاز شناخته شده است و عقیده به زوال امتیاز آن صرفاً به دلیل آنکه فاقد رتبه است، موجب نفی حکم مقنن خواهد بود.

**ب - تزامن بین مطالبات ممتاز فاقد رتبه در صورتی که تزامن بین دو طلب ممتاز فاقد رتبه ایجاد شده باشد، دلیلی بر ترجیح یکی بر دیگری وجود ندارد.** بنابراین در این فرض هر دو طلب ممتاز برابر فرض شده و دارایی بدهکار به نسبت آن دو طلب تقسیم خواهد شد.

مناسب است اشاره شود که در مورد مطالبات ممتاز خاص موضوع قانون دریایی، موافق ماده ۳۶ آن قانون تعیین تکلیف شده است که به لحاظ اختصارگویی از توضیح آن پرهیز می‌شود.

#### مبحث سوم

#### آثار و زوال طلب ممتاز

#### گفتار اول - آثار طلب ممتاز

**الف - حق تقدم:** بارزترین اثر امتیاز،

اولویت در وصول طلب است. به واسطه تعلق امتیاز به یک طلب، دارنده آن اختیار پیدا می‌کند قبل از سایر بستانکاران حق خود را استیفا نماید.

**ب - حق تعقیب:** چنان‌که سابقاً گذشت در طلب ممتاز خاص به واسطه آن که حق طلبکار بر مال یا اموال معینی از دارایی مدیون استقرار پیدا می‌کند، طلب او دارای حق عینی تبعی بوده و نتیجتاً به طرفیت عموم قابل استناد خواهد بود. (۲۷)

### گفتار دوم - زوال طلب ممتاز

امتیاز طلب، به دو طریقه اصلی و تبعی زوال می‌پذیرد که در ذیل پیرامون هر دو طریقه توضیح داده خواهد شد.

#### الف - زوال به طریقه اصلی

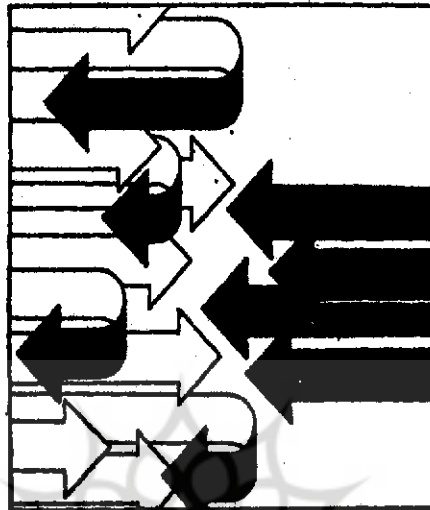
امتیاز در وصول طلب ممکن است رأساً و به صورت مستقیم منقضی شود. در حقوق ایران اعراض، تلف مالی که امتیاز بر روی آن برقرار شده است و مرور زمان را می‌توان از طرق اصلی زوال امتیاز نام برد. لازم‌بسه ذکر است که مرور زمان در خصوص مطالبات ممتاز موضوع قانون دریایی (ماده ۳۹) صادق است.

#### ب - زوال به طریقه تبعی

هرگاه اصل طلب که واجد امتیاز است به واسطه یکی از اسباب سقوط تعهدات (ماده ۲۶۴ ق.م) ساقط شود، به تبع آن اولویت در وصول نیز زوال خواهد یافت. بدین ترتیب وفای به عهد، اقاله، ابراء، تبدیل تعهد، تهاتر و مالکیت فی الذمه طرقی هستند که موجب زوال تبعی امتیاز می‌شوند.

آنچه اجمالاً در این مقاله بیان شد توضیح مختصری در باب کلیات طلب ممتاز و موقعیت قانونی آن بود. مع هذا

تشریح آنچه سابقاً گذشت و همچنین مقایسه تأسیس حقوقی طلب ممتاز با دیگر تأسیسات حقوقی مشابه نظیر حقوق عینی تبعی، حق حبس و منشئیات دین و بررسی سابقه این تأسیس در فقه امامیه و شرح هریک از مطالبات ممتاز عام و خاص



موجود در قوانین جاریه به همراه مطالعه تطبیقی در رساله‌ای جداگانه مورد مطالعه واقع شده است که علاقمندان را به ملاحظه آن دعوت می‌نماید. (۲۸)

#### پی نوشتها:

- 1- common pledge creditors
- 2 - rule of equality of creditors.
- ۳- دکتر عبدالحمی حجازی، المدخل لدراسة العلوم القانونية، کویت، مطبوعات جامعة الکویت، ۱۹۷۰، ص ۲۴۴.
- ۴- دکتر محمد جعفری لنگرودی؛ ترمینولوژی حقوق، تهران، چاپ گنج دانش، ۱۳۶۸، ص ۴۲۲.
- ۵- دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، جلد سوم، تهران، چاپ امیر کبیر، ۱۳۷۲، ص ۱۱۶.
- ۶- دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، حقوق اموال، تهران، چاپ گنج دانش، ۱۳۶۸، ص ۱۰۱.
- 7- black. H. C: blak law dictionary, sixth edition, west publishing co, 1990, p 1197.
- 8- code civil francas- Dalloz, paris, 1983-84.
- ۹- در حقوق اکثر کشورهای عربی نیز مشابه

چنین تعریفی مورد قبول واقع شده است. برای مثال در ماده ۱/۱۱۳۰ قانون مدنی مصر (القانون المدنی المصری ۱۹۲۹ م، چاپ وزارة العدل) می‌خوانیم: ۱- الامتیاز اولویة یقررها القانون لحق معین مراعاة منه لصفة.

- ۱۰- دکتر سیدحسن امامی؛ حقوق مدنی، جلد چهارم، تهران، چاپ اسلامیه ۱۳۶۸، ص ۳.
- ۱۱- دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی؛ دانشنامه حقوقی؛ جلد سوم، ص ۵۱۸. دکتر جعفری لنگرودی به موجب حاشیه‌ای که بر رأی دیوان عالی تمییز نوشته‌اند مالی بودن چنین دعوایی را ارجح شناخته‌اند.
- ۱۲- دکتر هوشنگ امید؛ حقوق دریایی، جلد اول، تهران، چاپ مؤسسه عالی بیمه، ۱۳۵۳، ص ۱۴۶.
- ۱۳- دکتر عبدالحمی حجازی؛ پیشین، ص ۲۲۸. دکتر محمد کامل مرسی پاشا؛ الحقوق العينية التبعية او التامینات العينية، مطبعة دار نشر لثقافة، ۱۹۵۰، ص ۶۵۶.
- ۱۴- شمس الدین الوکیل، نظریة التامینات فی القانون المدنی الجدید، الجزء الاول، مصر، دار المعارف، ۱۹۵۶، ص ۵۱۰-۵۰۹.
- ۱۵- دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، پیشین، ص ۱۱۶.

16- Black. H. C: Ibdid. P. 1197.

- ۱۷- خلیل صبری؛ روش دادرسی (حزای تصمیمات دیوان کشور از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۲) تهران، ۱۳۲۴، ص ۱۸.
  - ۱۸- کیهان؛ مجموعه رویه قضائی، جلد دوم آراء مدنی، ۱۳۴۲، ص ۴۲۵.
  - ۱۹- مجموعه آراء وحدت رویه از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۶، چاپ روزنامه رسمی، ص ۱۲۰ به بعد.
  - ۲۰- دکتر محمد کامل مرسی پاشا؛ پیشین، ص ۵۰۹.
  - ۲۱- دکتر عبدالفتاح عبدالباقی؛ پیشین، ص ۶۶۴.
  - ۲۲- دکتر اسعد دیاب؛ ابحاث فی التامینات العينية، بیروت، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۹۸۸، ص ۱۸۴.
  - ۲۳- دکتر عبدالرزاق احمد السهوری؛ الوسيط فی شرح القانون المدنی، جلد دهم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۰، ص ۹۲۸.
  - ۲۴- خلیل صبری، پیشین، ص ۲۶.
  - ۲۵- دکتر اسعد دیاب، پیشین، ص ۱۸۵.
- 26- Privilegia non ex temporex siti mantur, sed ex causa.
- ۲۷- دکتر عبدالرزاق احمد السهوری، پیشین، ص ۹۲۸.
  - ۲۸- نگاه کنید به: سعید صفیان؛ طلب ممتاز در حقوق ایران و تطبیقی، رساله کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، آذرماه ۱۳۷۵.